

مشروح مذاکرات شورای فقهی

بانک مرکزی

یکصد و سی‌امین جلسه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۲

اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

زمستان ۱۴۰۴

تهران، بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۲۹۹۵۱ (۹۸۲۱+)

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.cbi.ir



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شناسه گزارش: ۱۴۰۴۱۰/۹۶/۱۳۰/۱

عنوان گزارش: مشروح مذاکرات شورای فقهی بانک مرکزی*

یکصد و سی‌امین جلسه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۲

واژگان کلیدی: شورای فقهی، بانکداری اسلامی، مشروح مذاکرات، ودیعه مسکن، صلح.

تاریخ انتشار گزارش: زمستان ۱۴۰۴

* بر اساس بند «ر» ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی موظف است مشروح مذاکرات و مصوبات شورای فقهی را بر پایگاه اطلاع‌رسانی خود قرار دهد و برای عموم منتشر نماید. بر این اساس، اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی اقدام به تهیه و تدوین این گزارش نموده است. لازم به ذکر است مصوبات شورای فقهی پس از ابلاغ توسط بانک مرکزی اجرایی می‌گردد.

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست مطالب

اسامی حاضرین جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)..... ۲

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع: جمع‌بندی نهایی در رابطه با «درخواست بانک مسکن مبنی بر

اعطای تسهیلات کمک ودیعه مسکن در قالب طرح یارا» و مصوبه پنجاهمین جلسه مورخ

۱۴۰۳/۱۰/۰۲ کارگروه تخصصی فقهی بانک مرکزی در شهر قم در رابطه با «ملاحظات فقهی

تسهیلات ودیعه مسکن»..... ۳

اسامی حاضرین جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)^۱

۱. آیت الله غلامرضا مصباحی مقدم (ریاست شورای فقهی)
۲. آیت الله محمدسعید واعظی (عضو شورای فقهی)
۳. آیت الله علیرضا اسلامیان (عضو شورای فقهی)
۴. حجت الاسلام والمسلمین مجید رضایی دوانی (نایب رئیس شورای فقهی)
۵. حجت الاسلام والمسلمین محمد باقری بنابی (نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو شورای فقهی)
۶. آقای دکتر اصغر ابوالحسنی (قائم مقام بانک مرکزی و عضو شورای فقهی)
۷. آقای دکتر فرشاد محمدپور (معاون تنظیم‌گری و نظارت بانک مرکزی و عضو شورای فقهی)
۸. آقای دکتر محمود ابراهیمی (عضو شورای فقهی)
۹. آقای دکتر علی خورسندیان (عضو شورای فقهی)
۱۰. آقای دکتر عباس عرب‌مازار (عضو شورای فقهی)
۱۱. آقای مهدی صحابی لطف (مدیر کل عملیات پولی و اعتباری بانک مرکزی)
۱۲. آقای دکتر مهرزاد ذاکری (مدیر کل امور مجلس و دولت بانک مرکزی)
۱۳. آقای دکتر حسین میثمی (مدیر اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیر شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۴. آقای قاسم داریان (رئیس گروه اداره تدوین مقررات ارزی بانک مرکزی)
۱۵. آقای مهدی کاظمیان (معاون اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۶. آقای علی نظری (رئیس گروه اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۷. آقای حسن آذرمهر (رئیس گروه اداره مطالعات و مقررات بانک مرکزی)
۱۸. آقای سید حسن حسینی آذرنوشان (رئیس گروه اداره صیانت از مشتریان موسسات تحت نظارت بانک مرکزی)
۱۹. آقای محمدحسین شمشیری (رئیس دایره اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۰. خانم زهرا قاسمی (کارشناس ارشد اداره صیانت از مشتریان موسسات تحت نظارت بانک مرکزی)
۲۱. خانم اعظم حسینخانی (کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

^۱ از اعضای محترم شورای فقهی بانک مرکزی آقایان آیت الله سعدی و دکتر افشار در این جلسه حضور نداشتند.

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع: جمع‌بندی نهایی در رابطه با «درخواست بانک مسکن مبنی بر

اعطای تسهیلات کمک ودیعه مسکن در قالب طرح یارا» و مصوبه پنجاهمین جلسه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۲

کارگروه تخصصی فقهی بانک مرکزی در شهر قم در رابطه با «ملاحظات فقهی تسهیلات ودیعه مسکن»

تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید

میثمی: موضوع جلسه استفاده از عقد صلح برای تسهیلات ودیعه مسکن است و همچنین، در رابطه با تفسیر ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی. استفاده از عقد صلح به عنوان یک قرارداد جدید که در جلسه گذشته مطرح شد و ناتمام ماند و لذا مجدداً در این جلسه مورد بررسی قرار می‌گیرد. دغدغه اصلی در این موضوع این است که آیا ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی ما را محدود به ۱۲ عقد مندرج در قانون عملیات بانکی بدون ربا کرده است؟ یا اینکه امکان طراحی و استفاده از عقود جدید برای بانک‌ها وجود دارد؟

از نظر فقهی، «اصل آزادی قراردادها» پذیرفته شده است و لذا قراردادها را حصری نمی‌دانیم. این اصل در قانون مدنی نیز مورد تأکید قرار گرفته و ماده (۱۰) قانون مدنی صراحتاً اجازه داده است که قراردادها محدود به قالب‌های مشخص نباشند. بنابراین، هم از دیدگاه فقهی و هم از منظر قانونی، مبانی موجود، از حصری نبودن عقود حمایت می‌کنند.

رویه عملی بانک مرکزی طی سال‌های اخیر نیز مؤید این موضوع است؛ به گونه‌ای که «اوراق ودیعه بانک مرکزی» مبتنی بر عقد ودیعه طراحی و اجرا شده است؛ حال آنکه عقد ودیعه جزو عقود مندرج در قانون عملیات بانکی بدون ربا نمی‌باشد. علاوه بر این، موارد متعددی نظیر «توافق بازرخرد اسلامی مبتنی بر بیع نقد و دو اختیار»، «اوراق گام مبتنی بر عقد ضمانت عرفی» و دیگر نمونه‌ها نیز با مصوبه شورای فقهی مورد تأیید قرار گرفته و اجرا شده‌اند. لذا ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی محدودیتی برای طراحی و اجرای عقود جدید و متناسب با شرایط بانکی و موازین شرعی ایجاد نکرده و فرصتی مهم برای گسترش و متنوع‌سازی ابزارها و قراردادهای بانکی در چهارچوب اصول و قواعد شرعی فراهم می‌کند. این دیدگاه هم مبنای فقهی مستحکمی دارد و هم در چهارچوب قوانین جاری و رویه‌های بانک مرکزی عملیاتی شده است.

مصباحی‌مقدم: به نظر می‌رسد که در تعدادی از عقود موجود در قراردادهای بانکی، همان‌هایی که پیش‌تر توسط شورای نگهبان نیز تأیید شده‌اند، عقد صلح به عنوان یکی از عقود مورد استفاده ضمن سایر قراردادها، تصریح شده است. نکته مهم این است که عقد صلح پشتوانه قانونی مستحکمی دارد و نیازی به پیشنهاد یا تصویب قانون جدید مجلس نداریم. یعنی عقد

صلح پیش از این به عنوان یک قرارداد تبعی و متداول در ضمن سایر قراردادها مورد استفاده قرار گرفته و شورای محترم نگهبان نیز آن را تأیید کرده است؛ حال آنکه ما آن را به عنوان یک عقد مستقل می‌شناسیم و در قراردادهای بانکی کاربردهای گسترده‌ای دارد. بنابراین، عقد صلح دارای جایگاه قانونی و فقهی معتبر بوده و به عنوان ابزاری کارآمد در تنظیم قراردادهای بانکی به کار گرفته می‌شود.

میثمی: در آیین‌نامه هیئت وزیران و بخشنامه بانک مرکزی در طول این سال‌ها همواره استفاده از عقد صلح مورد تأکید بوده است و تاکنون نه دیوان عدالت اداری و نه شورای نگهبان آن را ابطال نکرده‌اند. ما در قانون نیز موردی از ابطال یا رد صریح، مشاهده نکرده‌ایم.

در سال‌های اخیر، بانک‌ها تحت عنوان طرح‌های داخلی بانکداری و با استفاده از ظرفیت ترکیب قراردادها با یکدیگر، به طور گسترده‌ای به استفاده از عقد صلح روی آورده‌اند. تصاویری که مشاهده می‌کنید نمونه‌هایی از این طرح‌هاست؛ از جمله طرح‌های بانک ملی، بانک ملت و بانک رفاه که هر کدام تقریباً دارای ۱۰ تا ۱۵ طرح متفاوت هستند.

در قانون بانک مرکزی، در صدر ماده مربوطه آمده است که برای حصول اطمینان از عدم مغایرت تصمیمات بانک مرکزی درباره نوع قراردادهای مورد استفاده در عملیات بانکی، تصمیمات شورای فقهی بانک مرکزی لازم‌الرعایه است. همچنین، در ادامه ماده و در بند «ج» تأکید شده است که اشخاص تحت نظارت موظف‌اند قراردادهای مورد استفاده خود برای انجام عملیات بانکی را به تأیید شورای فقهی برسانند. از این دو بخش می‌توان دریافت که قانون‌گذار در مقام بیان و با فرض وجود مقدمات حکمت به دو موضوع توجه کرده است؛ نخست قراردادهای بانک مرکزی و دوم قراردادهایی که اشخاص تحت نظارت انجام می‌دهند. از منظر شورای فقهی، تمام طرح‌ها و مواردی که در بانک‌ها اجرا می‌شود، تحت شمول این بند «ج» قرار دارد و رئیس کل بانک مرکزی قانوناً موظف است که اشخاص تحت نظارت را ملزم نماید تا نوع قراردادهای مورد استفاده خود در عملیات بانکی که قبلاً تأیید شورای فقهی را دریافت نکرده‌اند، پیش از اجرا به این شورا ارائه و تأیید آن را کسب کنند. فتوای معیار شورای فقهی، آرای ولی فقیه است و در صورت نبود فتوا، به روشی عمل می‌شود که ولی فقیه معین می‌کند.

جمع‌بندی کارشناسی دبیرخانه شورای فقهی آن است که رهبر معظم انقلاب اسلامی، عقد صلح را به عنوان یک عقد معتبر پذیرفته‌اند و این موضوع مطابق استفتایی است که به دبیرخانه شورای فقهی اعلام شده است. علاوه بر این، در ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی، اسمی از انواع قراردادهای فقهی به صورت مشخص ذکر نشده است. این موضوع ظرفیت گسترده‌ای

جهت طراحی قراردادهای و ابزارهای اسلامی جدید برای شورای فقهی و بانک مرکزی ایجاد می‌کند. به عنوان مثال، موضوع وقف پول که چند ماه پیش مورد بحث قرار گرفت، می‌توانست در قالب عقد صلح اجرا شود که موجب رفع بسیاری اختلافات فقهی می‌شود. این موضوع نشان‌دهنده ظرفیت‌های موجود در عقود جدید است که به نفع هر دو نهاد شورای فقهی و بانک مرکزی خواهد بود. برداشت دبیرخانه شورای فقهی از ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی آن است که مهم‌ترین نوآوری این قانون، خروج از چهارچوب عقود معین و پذیرش تنوع در نوع قراردادهاست؛ یعنی هر قراردادی که مطابق با شرع و مقررات باشد، قابل قبول است. با این حال، برخی از کارشناسان برداشت حصری بودن از این ماده دارند و بر این باورند که تنها همان عقود مندرج در قانون عملیات بانکی بدون ربا مجاز است. در هر صورت، راهکارهایی وجود دارد، از جمله مصوب کردن این برداشت، یا ارائه تفسیر مکتوب به هیئت عالی بانک مرکزی یا هر روش دیگری که شما صلاح بدانید؛ زیرا این یک موضوع بنیادین و کلیدی است که نیازمند تصمیم‌گیری شفاف است.

ابراهیمی: جلسه گذشته نیز در خصوص این موضوع به صورت مختصر صحبت کردم. در واقع، اطلاق عبارت «قانون» به این قید مربوط است که در شرایط فعلی، در عملیات بانکی، این عقود مورد استفاده قرار می‌گیرند و اینکه چگونه به کار گرفته می‌شوند، از سوی مرجع ذیصلاحی مجاز شناخته شده است. این مرجع می‌تواند، برای مثال، قانون، آیین‌نامه‌ها، ابلاغیه‌ها و مقررات ابلاغی بانک مرکزی، مصوبات شورای پول و اعتبار سابق یا مصوبات هیئت‌مدیره‌ای باشد که در شورای فقهی مورد بررسی قرار گرفته و عدم مغایرت آن با شرع مورد تأیید واقع شده است. به نظر من، عبارت «مورد استفاده» قیدی است که اطلاق را محدود می‌کند و همین امر راهکار پیشنهادی را نیز در بر دارد. اگر جلسه گذشته را به یاد داشته باشید، در بخشی که عقد را بررسی می‌کردیم، من طرفدار استفاده از عقد صلح به جای حقوق نامعین برای طرح یارا بودم؛ چرا که عقد صلح، از نظر حقوقی، کفایت و اولویت بهتری دارد.

مصباحی‌مقدم: این عبارت موجود در قانون بسیار روشن است و هدف آن باز گذاشتن دست بانک مرکزی و بانک‌ها برای طراحی‌های جدید است، نه محدود کردن آنها نسبت به عقود گذشته و اینکه تنها موارد پیشین مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، این عبارت از آن جهت معنا ندارد که «مورد استفاده» تنها به گذشته اشاره کند، بلکه نشان می‌دهد که این عقود قبلاً در فرآیندی بررسی و تأیید شده‌اند. این تأیید می‌تواند از سوی شورای نگهبان، آیین‌نامه‌ها یا مراجع ذیصلاح دیگر باشد. در واقع، چنین عبارتی، حصری و محدود به موارد خاص نیست.

ابراهیمی: با اجازه، یک فرض مطرح کنم؛ اگر یکی از بانک‌ها طرحی ارائه دهد که فارغ از بحث قوانین و مقررات، خلاف شرع باشد و مورد استفاده قرار گیرد (و فرض کنیم که تا زمانی که بانک مرکزی فرصت ورود و بررسی پیدا کند، این طرح در حال اجرا باشد) آیا چنین استفاده‌ای که خلاف شرع است، مجوز دارد؟ پاسخ من خیر است. این طرح باید ابتدا به شورای فقهی ارائه شود و عدم مغایرت آن با شرع احراز گردد و این باید قبل از اجرا انجام شود، نه پس از آن. به نظر بنده، بانک‌ها موظف‌اند طرح‌های خود را قبل از اجرا، از نظر عدم مغایرت با اصول فقهی، به تایید شورای فقهی برسانند.

اسلامیان: به نظر بنده نیز، لزومی ندارد که به قراردادهای موجود در قانون منحصر شویم و می‌توان قراردادهای شرعی جدید نیز طراحی کرد. اما احتمال دارد این تعبیر قانون، دلالت بر انواع قراردادهای مذکور در قانون بانکداری بدون ربا داشته باشد و از این جهت نباید به آن تمسک کرد.

میثمی: برداشت من این است که متن قانون بانک مرکزی عرفی بوده و انحصار به عقود دوازده‌گانه که قبلاً در قانون عملیات، مطرح شده ندارد. زیرا عقود دوازده‌گانه به تایید شورای نگهبان رسیده و اساساً معنی ندارد که شورای فقهی موظف شود مجدد آنها را تایید کند.

رضایی: قرار بر آن بود که پس از تصویب قانون بانک مرکزی، قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز اصلاح شود که تا کنون انجام نشده است.

مصباحی‌مقدم: بنده مصوبات شورای فقهی را ملاک قرار می‌دهم و معتقدم با وجود شورای فقهی، نباید حالت انتظار برای تصویب قانون جدید بانکداری اسلامی (که مجلس شورای اسلامی قرار است تدوین کند) وجود داشته باشد و منتظر آن بمانیم. اگر چنین باشد، برگزاری جلسات ما بی‌فایده خواهد بود. رویه‌ای که هم‌اکنون آغاز شده، در واقع قفل کردن کار است؛ تعارف هم ندارد. هر مسئله‌ای که مطرح می‌شود باید متوقف شود تا قانونی تصویب شود؛ در حالی که بانک‌ها مشغول به فعالیت‌های خود هستند و این روند به معنای پایان کار شورای فقهی است.

آقای ابراهیمی بیان کردند که کلمه «مورد استفاده» در متن قانون، به قراردادهایی اطلاق می‌شود که فعلاً در بانک‌ها مورد استفاده است و قراردادهای جدید شامل آن نمی‌شود. بنابراین با این تفسیر از قانون، شورای فقهی در حالت تعلیق قرار

می‌گیرد تا ببینیم آیا این قراردادها در قالب قوانین قبلی می‌گنجد یا خیر. در این صورت، کار ما متوقف شده و هیچ پیشرفتی نخواهد داشت.

طرح‌های داخلی که بانک‌ها طراحی می‌کنند و در این طراحی عقود مختلف اسلامی را با یکدیگر ترکیب می‌نمایند، در واقع طراحی انواع جدیدی از قراردادهای بانکی محسوب می‌شود که طبق ماده (۱۸) لازم است به تأیید شورای فقهی بانک مرکزی برسد.

ابراهیمی: نکته بحث این است که قراردادهایی که در حال حاضر مورد استفاده قرار می‌گیرند، باید قبلاً توسط مرجعی قانونی تأیید شده باشند. در حالی که چنین نیست؛ زیرا این عقود در آیین‌نامه‌های مصوب همان قانون آمده‌اند که توسط هیئت وزیران تصویب شده‌اند و هیچ‌یک از این آیین‌نامه‌ها مستقیماً به تأیید شورای نگهبان نرسیده است.

مصباحی‌مقدم: بنابراین، بنا به نظر جنابعالی، دست شورای فقهی برای هر ابداع جدیدی بسته می‌شود؛ این ویژگی حقوق است که تنها آنچه پیش‌تر توسط قوانین تصویب شده، مشمول عنوان حقوق قرار می‌گیرد. در حالی که کار فقیه چیست؟ فقیه بر اساس مبانی دائمی و ثابتات شریعت عمل می‌کند. یعنی فقیه اصول را گرفته و به استخراج فروع می‌پردازد. کار فقیه همین است؛ فقیه‌ی که در شورای فقهی حضور دارد، فروع جدید را استخراج و اضافه می‌کند. این در حقوق ممکن است پذیرفته نباشد؛ زیرا اگر عنوانی در حقوق نبوده باشد، حقوقدان آن را به رسمیت نمی‌شناسد. اما حقوقدان باید در اینجا حضور داشته باشد تا هر آنچه با حقوق تعارض دارد و تضاد ایجاد می‌کند را بیان کند و اظهار نظر نماید. در غیر این صورت، اگر خلاف حقوق نباشد و با حقوق شناخته شده و ثابت شده تعارضی نداشته باشد، شورای فقهی وظیفه‌اش پیشبرد این امور است. اگر آنچه شما می‌فرمایید، مبنی بر عدم استفاده از ظرفیت شورای فقهی باشد و صرفاً به مرور کارهای گذشته و اتخاذ آنها به عنوان مبنا اکتفا شود، نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد. لازم است اجازه داده شود که به جلو حرکت کنیم و نظام بانکی از ظرفیت شورای فقهی به نحو شایسته بهره‌مند شود.

ابراهیمی: فرمایش شما درست است که حقوق بیشتر ناظر به امور گذشته است، اما در این موضوع عرض می‌کنم که در نهایت، عقود که قرار است مورد استفاده قرار گیرند، فارغ از اینکه آیا با شرع مغایرت دارند یا خیر، باید یک مبنای حقوقی داشته باشند؛ این مبنا می‌تواند قانون، آیین‌نامه یا مقررات بانک مرکزی باشد.

شورای فقهی نیز به عنوان بخشی از بانک مرکزی، در چهارچوب صلاحیت خود ایفای نقش می‌کند. آنچه بنده عرض کردم مبتنی بر اصول لفظی و فقهی است. علم حقوق در ایران، به ویژه حقوق خصوصی، بر پایه فضای فقهی شکل گرفته و تمام مبانی استدلالی ما بر اصول فقهی و منطق حقوقی استوار است. نکته دوم بنده این است که بر اساس این قانون و ظرفیتی که پیش‌بینی شده، شورای فقهی می‌تواند مغایرت یا انطباق هر عقدی را با شرع بررسی کند. مسیر کاری ما به این صورت است که هدف، جلوگیری از ارائه طرح‌های جدید توسط بانک‌ها نیست؛ بلکه بانک‌ها می‌توانند طرح‌های خود را ارائه دهند و در این طرح‌ها ممکن است از عقود متنوع یا ترکیبی استفاده کنند. اما بانک مرکزی به عنوان مرجع رسمی ناظر و تنظیم‌گر فضای بانکداری، موظف است این طرح‌های جدید را حداقل از نظر مقررات بانکی بررسی کند و در مواردی که احتمال مغایرت با شرع وجود دارد، موضوع را به شورای فقهی ارجاع دهد.

مصباحی‌مقدم: آنچه شورای فقهی تصویب می‌کند، وارد چرخه هیئت عالی و هیئت عامل بانک مرکزی می‌شود و اگر در این مراحل ملاحظه شود که با مسائل دیگر تعارض دارد، مصوبه به شورای فقهی بازگردانده می‌شود تا اصلاحات لازم انجام شود.

میثمی: قانون برای شورای فقهی محدودیت‌هایی قرار داده است و حالا ما هم با ارائه تفاسیر خاص عملاً در حال محدودسازی ظرفیت‌های شورای فقهی هستیم. یعنی می‌گوییم تفسیر ما از ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی صرفاً همین دوازده عقد موجود در عملیات بانکی است. لذا دیگر نمی‌توانیم از عقود جدیدی مانند صلح که در فقه امامیه آمده، استفاده کنیم.

مصباحی‌مقدم: بحث اصلی ما اکنون در مورد قرارداد صلح است. استفاده از صلح به عنوان یک عقد شرعی که فقهای مشهور از جمله حضرت امام (ره) و فقهای معاصر همه آن را به عنوان عقدی مستقل قبول دارند، امکان‌پذیر است.

رضایی: از نظر شرعی، عقد صلح، عقدی مستقل است و ظرفیت انجام برخی امور را دارد. اما مسئله این است که آیا کاری که ما انجام می‌دهیم، مطابق با قوانین است یا خیر؟ مطرح شد که این موضوع را به بخش حقوقی واگذار کنیم، چون این کار در حوزه حقوق است و مربوط به ما نیست. اگر بخش حقوقی بانک مرکزی به این جمع‌بندی برسد، آن را پیگیری می‌کنیم.

میثمی: می توان جمع بندی بحث را به این صورت ارائه کرد: «استفاده از عقد صلح به عنوان یک قرارداد مستقل در شبکه بانکی خلاف شرع شناخته نشد.»

خو رسندیان: آنچه ابتدا بانک مسکن درخواست کرده بود، مربوط به عقد مرابحه برای ودیعه مسکن بود. اما در کارگروه فقهی بانک مرکزی در شهر قم اعلام گردید که این مورد قابل قبول نیست.

میثمی: مدل ارائه شده در جلسه، مربوط به جمع بندی کارگروه قم شورای فقهی است. یعنی کارگروه قم این موضوع را بررسی کرده و به سه راهکار شامل صلح، مرابحه و کالتی و اجاره مجدد رسیده است. این سه راهکار به اتفاق نظر فقها در قم مصوب شده اند.

مصباحی مقدم: ما مصوبه را خدمت رئیس بانک مرکزی ارائه می دهیم و ایشان مطابق صلاح دید خود اقدام می کند. همچنین بنده سوالی دارم و آن اینکه آیا استفاده از عقد صلح برای ودیعه مسکن مجاز است یا خیر؟

خو رسندیان: به نظر می رسد موضوع برای بانک مسکن روشن باشد؛ زیرا پیش تر مجوز عقد مرابحه که به منظور خرید کالا و خدمت بوده توسط شورای فقهی، صادر شده است و این موضوع کاملاً مشخص و به جای خود معتبر است. اما اکنون این سوال مطرح است که آیا می توان در قالب عقد مرابحه، ودیعه مسکن پرداخت کرد یا خیر؟ برخی از فقها اعلام می کنند که این امکان وجود نداشته و این موضوع هیچ ارتباطی به مصوبه شورای فقهی ندارد؛ چرا که مرابحه صرفاً برای خرید کالا و خدمت است و شامل ودیعه مسکن نمی شود. در نتیجه، برخی پیشنهاد می کنند در صورت تمایل به انجام این کار، از عقد صلح استفاده گردد.

ابوالحسنی: به نظر می رسد برای جمع بندی بین این دو موضوع، نمی توان تسهیلات موسوم به کمک ودیعه مسکن را تحت عنوان عقد مرابحه لحاظ کرد. در حال حاضر شورای فقهی در پاسخ به یک سوال مشخص اعلام می کند که بانک می تواند به صورت نقد، کل منافع مورد اجاره را، تملیک کرده و سپس به صورت نسیه به مستاجر مصالحه نماید. از این رو، موضوع پرداخت ودیعه مسکن از طریق عقد مرابحه و جاهت شرعی ندارد.

میثمی: در مدل پیشنهادی بانک می‌تواند به صورت نقد، کل منافع مورد اجاره را در قالب عقد صلح تملک نماید و سپس با مبلغی بالاتر به صورت نسیه به مستاجر مصالحه کند. لازم به ذکر است که انجام این موضوع از طریق عقد مرابحه و جاهت شرعی ندارد.

مصباحی مقدم: درباره عقد مرابحه نیاز به تامل بیشتری وجود دارد؛ چرا که در واقع، عقد مرابحه برای خرید کالا یا خدمت کاربرد دارد. در هر موردی که عقد مرابحه با محدودیتی مواجه شود، عقد صلح می‌تواند راه حل جایگزین باشد. به طور کلی، برای رفع موانع احتمالی در چنین مواردی، عقد صلح راهکار مؤثری است؛ مگر در مواردی که مربوط به ربا باشد که عقد صلح نیز نمی‌تواند آن را حل کند.

صحابی لطف: در طرحی که از سوی بانک مسکن ارائه شده است، برخلاف حالت معمول که تسهیلات به مستاجر داده می‌شود منابع به حساب موجر واریز خواهد شد؛ که به نظر می‌رسد به دلایل مختلف قابلیت اجرا ندارد.

مصباحی مقدم: هر چند مدلی که مطرح شده، دارای مشکلاتی می‌باشد، اما اصل موضوع که استفاده از ظرفیت عقد صلح است، اشکالی ندارد.

خورسندیان: در بحث تفکیک اصل و سود، در واقع مدلی در بانک مسکن طراحی گردید که فشار مالی بر مستاجر کاهش یابد. لذا، درخواست داریم مجوزی صادر شود تا مستاجر فقط سود را پرداخت کند و از پرداخت اصل معاف باشد.

مصباحی مقدم: نتیجه بحث به این صورت است که فعلاً رای‌گیری متوقف می‌شود تا در جلسه آینده، موضوع استفتاء از مقام معظم رهبری درباره مرابحه خدمات به‌طور روشن مشخص شود و پس از آن، رای‌گیری انجام خواهد شد. این موضوع به جلسه آینده موکول می‌شود.

ختم جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.